گذشته چراغ راه آینده است و ما بر اساس تجربیات و شیوه رفتار گذشتگان برای زمان حال و آینده خود برنامه‌ریزی می‌کنیم. بدین منظور، بایستی به مطالعه سیره آنها بپردازیم تا از میان رفتارها و گفتارهای آنان چراغی برای خود بیابیم.

بهره‌مندی و الگوگرفتن از بزرگان به ویژه برای ما ضرورت بیشتری دارد؛ بزرگان دینی ما در مقام عصمت و امامت قرار داشته‌اند و رفتارشان برای ما حجت و دلیل راه است. از جمله آنان امام علی(ع) است که مقام امامت و ولایت و حکومت را در زمان خود عهده‌دار بود و بخشی از عمر خود را در راه اداره جامعه سپری کرد. از این رو، مطالعه سیره ایشان می‌تواند در اداره جامعه ما نیز راهگشا باشد.

یکی از شیوه‌های رفتاری امام علی(ع) رسیدگی به وضعیت نیازمندان جامعه بود که در جامعه اسلامی امروز نیز می‌تواند الگو قرار گیرد.

در این مقاله که از پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه انتخاب شده «رسیدگی به وضع نیازمندان و حمایت از آنان» با عنوان «تکافل اجتماعی» از نگاه آن امام همام به اختصار بررسی شده است.

امام علی(ع) و تکافل اجتماعی

ابراهیم کاملی

حضرت علی(ع) برای توزیع مطلوب بیت‌المال بر دو ویژگی اساسی تأکید می‌ورزید:

۱. رعایت عدالت در تقسیم؛

۲. حبس نکردن حقوق عمومی.

آن حضرت برای بیت‌المال دو نوع مصرف را در نظر می‌گرفت:

مصرف خاص و مصرف عام.[۱]

یکی از مصادیق مصرف خاص بیت‌المال از دیدگاه امام تأمین نیاز فقرا و مستمندان و از کار افتادگان است؛ چرا که توانایی‌های افراد جامعه با یکدیگر برابر نیست، برخی توانایی جسمی و استعداد سرشار دارند، عده‌ای ضعیفند، بعضی برای امرار معاش درآمد کافی ندارند، برخی معلول و بیمارند، عده‌ای هم ورشکسته و از کار افتاده. این‌گونه افراد چه حقوقی در جامعه انسانی دارند؟

فقر، آثار بسیاری در جامعه انسانی بر جای می‌گذارد که امام علی(ع) به این موضوع این چنین اشاره می‌کند:

«یا بُنَیّ إنّی أخافُ عَلَیْکَ الفقرَ فَاسْتَعِذْ بِاللهِ مِنْهُ فَإنّ الفَقْرَ مَنْقَصَةٌ لِلدِّینِ مَدْهَشَةٌ لِلْعَقْلِ داعِیَةٌ لِلْمَقْتِ»؛[۲] فرزندم، از تهیدستی بر تو هراسناکم، از فقر به خدا پناه ببر، که همانا فقر، دین انسان را ناقص و عقل را سرگردان و عامل دشمنی است.

امام علی(ع) در این حکمت به سه اثر فقر اشاره می‌کند:

۱. نقص در دین؛ ۲. نقص در عقل؛ ۳.ایجاد دشمنی.

با گرسنگی قوت پرهیز نماند
افلاس عنان از کف تقوا بستاند[۳]

کامل فرزانه را دیوانه سازد احتیاج عاقلان را از خرد بیگانه سازد احتیاج[۴]

تأمین حقوق نیازمندان جامعه مستلزم برآوردن نیاز و تأمین منابع مالی و ساز وکاری برای حمایت از آنان است. «حمایت از محرومان به معنای توزیع فقر در جامعه نیست، بلکه ریشه‌کنی فقر از جامعه است و موجب توسعه و عمران آن می‌شود. با حمایت از نیازمندان می‌توان آنها را به بازار کار و تولید کشاند تا رقابت سالم و صحیح پدید آید و بر حجم و کیفیت تولیدات افزوده شود».[۵]

حقوق نیازمندان

نیازمندان حقوقی دارند که بدان اشاره و راه استیفای آنها را بیان می‌کنیم.

۱. حق حیات

همه افراد در حالت عادی حق زنده ماندن و استفاده طبیعی از امکانات موجود در طبیعت را دارند. از این رو، برای افراد از کار افتاده و یا کسانی که به سبب حوادث غیر منتظره درآمد کافی ندارند، باید چاره ای‌اندیشید. در چنین مواقعی دولت اسلامی برای ادامه زندگی آنان اقدام می‌کند. همچنین مردم با انفاق‌های واجب و مستحب خود به تأمین زندگی آنان می‌پردازند. حضرت علی(ع) در این باره می‌فرماید:

«إنّ اللهَ سُبْحانَهُ فَرَضَ فی أموالِ الأغنیاءِ أقْواتَ الفُقَراءِ فَما جاعَ فَقیرٌ إلاّ بِما مُتِّعَ بِهِ غَنِیٌّ؛[۶] خداوند روزی نیازمندان را در اموال ثروتمندان واجب کرده است و نیازمندی، گرسنه نمی‌ماند، مگر اینکه توانگری از حق او بهره‌مند شده باشد».

این سخن امام به نوعی تفسیر آیه ۲۵ سوره معارج است که می‌فرماید: «وَالّذینَ فی أمْوالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ لِلسّائِلِ وَ المَحْرُومِ»،و آنها که در اموالشان حق معلومی است تا به فقیران سائل و فقیران آبرومند محروم رسانند.

این آیه به رعایت حق حیات نیازمندان اشاره دارد که باید زندگی آنان حفظ شود و دولت و ثروتمندان وظیفه دارند که از همنوعان خود حمایت کنند. اختصاص بخشی از بیت‌المال به افراد نیازمند که در سیره امام علی(ع) دیده می‌شود، به دلیل همین حق حیات است که همه انسان‌ها باید از آن برخوردار باشند. در زمان حکومت آن حضرت، روزی ایشان پیرمردی را دید که از مردم کمک می‌خواهد. حضرت از اطرافیانش پرسید: این مرد کیست؟ گفتند: مردی مسیحی است که از طریق کارگری امرار معاش می‌کرد و حالا از کار افتاده است. امام فرمود:

در زمان حکومت امام علی(ع)، روزی ایشان پیرمردی را دید که از مردم کمک می‌خواهد. حضرت از اطرافیانش پرسید: این مرد کیست؟ گفتند: مردی مسیحی است که از طریق کارگری امرار معاش می‌کرد و حالا از کار افتاده است. امام فرمود: از او کار کشیدید تا پیر و ناتوان گردید و اکنون او را محروم می‌سازید! از بیت‌المال به او انفاق و کمک کنید.

«اسْتَعْمَلْتُمُوهُ حَتّی إذا کَبِرَ وَ عَجَزْتُمُوهُ وَ مَنَعْتُمُوهُ أنْفِقوا عَلَیْهِ مِنْ بَیْتِ المالِ؛[۷] از او کار کشیدید تا پیر و ناتوان گردید و اکنون او را محروم می‌سازید! از بیت‌المال به او انفاق و کمک کنید».

این برخورد امام با مرد مسیحی، نشان می‌دهد که حق حیات، حقی انسانی است، نه دینی.

۲. حق معاش

یکی دیگر از حقوق نیازمندان حق معاش یا گذراندن زندگی به شکل آبرومندانه است. در این زمینه امام می‌فرماید:

«إنّ اللهَ فَرَضَ عَلَی الأغْنیاءِ فی أمْوالِهِمْ بِقَدْرِ ما یَکْفی فُقَراءَهُمْ وَ إنْ جاعُوا وَ عَرَوْا وَ جَهَدُوا فَبِمَنْعِ الأغْنیاءِ وَ حَقٌّ عَلَی اللهِ أنْ یُحاسِبَهُمْ یَوْمَ القِیامَةِ وَ یُعَذِّبَهُمْ عَلَیْهِ؛[۸] خداوند بر ثروتمندان واجب کرده است تا از اموالشان به‌اندازه کفایت فقیران هزینه کنند. اگر نیازمندان گرسنه یا عریان باشند، به سبب منع ثروتمندان است و خداوند از آنها در روز قیامت حساب می‌کشد و آنان را مجازات می‌کند».

تعبیر «بقدر ما یکفی فقراءهم» در سخن امام به حق معاش اشاره دارد و بیانگر این نکته است که هزینه معاش نیازمندان چه از سوی دولت اسلامی و چه از سوی ثروتمندان باید تأمین شود و اگر چنین نکنند، مورد محاسبه و مجازات قرار می‌گیرند. بنابراین تکافل اجتماعی وظیفه‌ای همگانی است.

البته فقر، مفهوم گسترده‌ای دارد و در هر زمان با توجه به سطح زندگی افراد جامعه، سطح فقر تعیین می‌شود. «با توجه به گستردگی مفهوم فقر در هر زمان و با در نظر گرفتن سطح متوسط معیشت جامعه، فقر تعریف می‌شود. از این رو، فقرزدایی و رسیدگی به فقیران باید با تأمین رفاه نسبی آنان ادامه یابد».[۹] امام علی(ع) در این باره می‌فرماید:

«هر کس که خداوند مالی را به او بخشد، باید به خویشاوند خود بخشش کند و سفره‌های مهمانی بگستراند و اسیر را آزاد کند و از آن به نیازمندان و بدهکاران بپردازد و برای به دست آوردن ثواب الهی، در برابر پرداخت حقوق الهی شکیبایی کند».[۱۰]

امام علی(ع) در این فراز از خطبه به سه نکته اشاره می‌کند:

الف) مالی که در اختیار انسان قرار می‌گیرد، از آن خداست؛

ب) کسانی که باید از این ثروت بهره‌ای ببرند، مشخص شده‌اند که عبارتند از: خویشاوند، مهمان، اسیر، گرسنه، نیازمند، بدهکار، که می‌توان گفت اینان همان مصرف کنندگان انفاق واجب هستند؛

ج) انفاق باید با طیب خاطر و برای به دست آوردن رضای خدا صورت بگیرد؛ همان طور که خداوند در قرآن اشاره می‌کند: «وَالّذینَ یُنفِقُونَ أمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللهِ»؛[۱۱] آنان که مالشان را در راه خشنودی خدا انفاق کنند.

امام(ع) در این فراز، بخشش اموال را، یکی از راه‌های تحقق عدالت اقتصادی و توازن مالی بیان می‌کند. اگر این توازن از بین برود و تمرکز ثروت به وجود بیاید، موجب برهم خوردن نظم اجتماعی و شکاف طبقاتی در جامعه می‌شود. خداوند در قرآن در این باره این چنین می‌فرماید:

«آنچه را که خداوند (از دارایی) ساکنان قریه‌ها عاید پیامبرش گرداند، از آن خدا و پیامبر و خویشاوندان وی و یتیمان و بیچارگان و در راه ماندگان است تا در میان ثروتمندان دست به دست نگردد...»[۱۲]

آیه بالا، علت این‌گونه توزیع ثروت را جلوگیری از دست به دست شدن ثروت‌ها در دست عده‌ای انگشت‌شمار از افراد جامعه بیان می‌کند و این همان شیوه‌ای است که امام علی(ع) نیز به آن اشاره دارد:

«أعْطَیْتُ کَما کانَ رَسُولُ اللهِ یُعْطی بِالسّوِیّةِ وَ لَمْ أجْعَلْها دُولَةً بَیْنَ النّاسِ؛[۱۳] اموال را در بین مردم به طور مساوی تقسیم کردم، همان طور که پیامبر خدا این چنین تقسیم می‌کرد و آن را مانند گوی در بین ثروتمندان قرار ندادم تا دست به دست شود».

امام(ع) در این بخش از سخن خود به این نکته اشاره می‌کند که بخشی از اموال و دارایی ثروتمندان و دولت اسلامی، به عموم مردم اختصاص دارد. «بنابراین بایستی ثروت و درآمد در بین همه گروه‌های جامعه توزیع شده و در دست گروهی خاص قرار نگیرد و ثروت و درآمدها در نظام اقتصادی اسلام دارای اهمیت خاصی است؛ زیرا توازن اقتصادی و در پرتو آن، عدالت اقتصادی را به همراه دارد».[۱۴]

یکی دیگر از درآمدهایی که بایستی به نوعی در بین همه مردم توزیع شود، خراج (مالیات) است. ایشان درباره نحوه هزینه خراج می‌فرماید: «وَ تَفَقَّدْ أمْرَ الخَراجِ بِما یُصْلِحُ أهْلَهُ فَإنّ فی صَلاحِهِ وَ صَلاحِهِمْ سِواهُمْ وَ لاصَلاحَ لِمَنْ سِواهُمْ إلاّ بِهِمْ لِأنّ النّاسَ کُلَّهُمْ عِیالٌ عَلَی الخَراجِ وَ أهْلِهِ؛[۱۵] در مسئله مالیات به صورتی که اصلاح مالیات دهندگان در آن است رسیدگی کن، چه اینکه صلاح و بهبودی مالیات و مالیات‌دهندگان صلاح دیگران است و برای دیگران آسایش جز با بهبودی آنان وجود ندارد چرا که تمام مردم جیره خوار مالیات و پرداخت کنندگان آن هستند.»

امام علی(ع) در این فراز از نامه دو نکته را یادآوری می‌کند:

الف) مالیات، ثروت مالیات دهندگان را تعدیل می‌کند؛

ب) مالیات، با توزیع ثروت در بین نیازمندان، مالیات گیرندگان را هم اصلاح می‌کند.

حتی امام(ع) بالاتر از این نکته را یادآوری می‌کند و می‌فرماید که در زمان حکومت من در کوفه رفاه نسبی در بین ساکنان این شهر برقرار شد و همه از حداقل نیازها برخوردار بودند:

«ما أصْبَحَ بِالْکُوفَةِ أحَدٌ الا ناعِماً، إنّ أدْناهُمْ مَنْزِلَةً لَیَأکُلُ مِنَ البُرّ وَ یَجْلِسُ فی الظِّلِّ وَ یَشْرَبُ مِنْ ماءِ الفُراتِ؛[۱۶] همه مردم کوفه از رفاه برخوردار گردیدند؛ چون پایین‌ترین آنها (یعنی فقیرترین افراد جامعه) نان گندم می‌خورد و سرپناه مناسب دارد و از آب سالم فرات می‌نوشد».

در این کلام، سه موضوع به عنوان مصداق بهره مندی از حق معاش مطرح شده: ۱. نان گندم (خوراک)؛ ۲. سرپناه (مسکن)؛ ۳. آب سالم. این امور به عنوان حداقل نیاز مردم یا تأمین رفاه در کف است و رساندن رفاه به سقف، برنامه بعدی امام بود.

عدالت خواهی امام و سیاست توزیع ثروت در میان عامه مردم و نیازمندان، موجب رخت بربستن پدیده فقر از جامعه علوی گردید و درآمدهای جامعه به صورت متوازن در بین همه افراد توزیع شد. «از دیدگاه حضرت علی(ع) سیاست‌های توزیعی باید تا برخورداری همگان از رفاه نسبی ادامه یابد».[۱۷]

امام(ع) با معرفی طبقات گوناگون مردم و نقش هر کدام از آنها در جامعه و با اشاره به طبقه ضعیف یادآوری می‌کند که این گروه بایستی مورد توجه قرار گیرند: «وَ مِنْها الطَّبَقَةُ السُّفْلی مِنْ ذَوِی الحاجَةِ وَ المَسْکَنَةِ وَ کُلٌّ قَدْ سَمّی اللهُ لَهُ سَهْمَهُ وَ وَضَعَ عَلی حَدِّهِ فَریضَةً فی کِتابِهِ أوْ سُنَّةِ نَبِیِّهِ عَهْداً مَحْفُوظاً عِنْدَنا؛[۱۸] و طبقه پایین دست جامعه از نیازمندان و بینوایان هستند و خداوند سهم هر دسته را مشخص کرده و حدود و میزان آن را در کتاب خود یا سنت پیامبرش بیان داشته است. این پیمانی است از جانب خدا که در نزد ما نگهداری می‌شود».

علی(ع) فرمود: خداوند روزی نیازمندان را در اموال ثروتمندان واجب کرده است و نیازمندی گرسنه نمی‌ماند، مگر اینکه توانگری از حق او بهره‌مند شده باشد.

این چنین مستغنی از حال تهی‌دستان مباش آخرای منعم نگاهی کن به حاجتمند خویش.[۱۹]

این فراز از سخن امام(ع) به نوعی تفسیر آیات مربوط به انفاق است؛ چون در آیات انفاق، سهم نیازمندان مشخص و موارد مصرف آن تعیین شده است.

توصیه‌های امام برای دستگیری از نیازمندان در حدی است که خداوند را به عنوان شاهد یاد می‌کند و می‌فرماید:

«ثُمّ اللهَ اللهَ فی الطَّبَقَةِ السُّفْلی مِنَ الّذینَ لا حیلَةَ لَهُمْ مِنَ المَساکینِ وَ المُحْتاجینَ وَ أهْلِ البُؤْسی وَ الزَّمْنی فَإنّ فی هذِهِ الطَّبَقَةِ قانِعاً وَ مُعْتَرّاً وَ احْفَظْ لِلهِ ما اسْتَحْفَظَکَ مِنْ حَقِّهِ فیهِمْ وَاجْعَلْ لَهُمْ قِسماً مِنْ بَیْتِ مالِکَ؛[۲۰] خدا را درباره طبقه پایین جامعه در نظر داشته باش! مردمی که چاره‌ای ندارند، از بیچارگان و نیازمندان و گرفتاران رنجور و ناتوانان زمینگیر و در میان این طبقه قانع و سؤال‌کننده وجود دارد و پاس دار حقی را که خداوند برای آن نگهبانی‌اش را به تو سپرده و بخشی از بیت‌المال را به آنان اختصاص بده».

گر کشی یک کور از چاه‌ای فلان
به که خود بالا کشی تا آسمان
گر برآری حاجت بیچاره‌ای
به که خوانی چهل کرت سی پاره‌ای
در رضای یک مسلمان ده قدم
به که سالی طی کنی راه حرم
لیک کار مؤمنان را ساختن
سینه شان را از غمی پرداختن
هر چه باشد شادی آن دولتی است
خود نه محتاج خلوص قربتی است
در ازایش داری اجری بی‌حساب
قربت ار باشد فزون گردد ثواب[۲۱]

پی‌نوشت‌ها:

۱. سیاست نامه امام علی(ع)، محمد محمدی ری شهری، ترجمه مهدی مهریزی، صص۴۰۱و۴۰۹. ۲. نهج‌البلاغه، حکمت۳۱۹. ۳. گلستان سعدی، ص۱۶۷. ۴. معارف نهج‌البلاغه در شعر شاعران، محمد دشتی، به نقل از دیوان لامع، ص۶۲۰. ۵. دانشنامه امام علی(ع)، زیر نظر علی اکبر صادقی رشاد، ج۷، ص۹۱. ۶. نهج‌البلاغه، حکمت۳۲۸. ۷. سیاست نامه امام علی(ع)، ص۴۱۲، به نقل از تهذیب الاحکام شیخ طوسی، ج۶، ص۲۹۳. ۸. موسوعة الإمام علی بن ابی طالب، محمد محمدی ری شهری، ج۴، ص۲۰۳. ۹. دانشنامه امام علی(ع)، ج۷، ص۹۴. ۱۰. نهج‌البلاغه، خطبه۱۴۲. ۱۱. بقره/۲۶۵. ۱۲. حشر/۷. ۱۳. موسوعة الامام علی بن ابی طالب، ج۴، ص۱۲۴. ۱۴. دانشنامه امام علی(ع)، ج۷، ص۸۴. ۱۵. نهج‌البلاغه، نامه ۵۳. ۱۶. بحارالانوار، ج۴۰، ص۳۲۷. ۱۷. دانشنامه امام علی(ع)، ج۷، ص۸۴ ۱۸. نهج‌البلاغه، نامه ۵۳. ۱۹. معارف نهج‌البلاغه در شعر شاعران، به نقل از دیوان وحشی بافقی، ص۹۴. ۲۰. نهج‌البلاغه، نامه ۵۳. ۲۱. معارف نهج‌البلاغه در شعر شاعران، به نقل از مثنوی مرحوم نراقی، ص۳۴۲.

امیرالمؤمنین(ع)؛ اعجوبه خلقت

تبیین عظمت شخصیت امام علی(ع) در بیانات رهبر معظم انقلاب

انسانِ مقتدرِ مظلومِ پیروز

«در امیرالمؤمنین یک پدیده شگفت‌آوری وجود دارد؛ سه خصوصیّتِ به ظاهر ناسازگار در امیرالمؤمنین جمع شده است.

امیرالمؤمنین(ع)، هم انسان قوی و مقتدری است، انسان قدرتمندی است، هم در عین حال مظلوم است و هم در عین حال در حوادث گوناگون پیروز نهایی است؛ این سه خصوصیّت در امیرالمؤمنین و در حالات آن بزرگوار مشهود است.

اقتدار و قوّت امیرالمؤمنین را اگر بخواهیم درست بفهمیم، باید نگاه کنیم به گستره وسیع محلّ حکومت امیرالمؤمنین؛ آن کشور باعظمتی که تحت مدیریّت امیرالمؤمنین اداره می‌شد؛ از منتهای شرق افغانستان کنونی تا کنار دریای مدیترانه و مصر -همه این منطقه وسیع- تحت مدیریّت امیرالمؤمنین اداره می‌شد؛ با کمال قدرت و استحکام. اراده پولادین او، شجاعت و هنر نظامی‌گری او، زبان قوی و منطق جذّاب او -که کلمات امیرالمؤمنین و خطبه‌های پُرشور و سرشار از حکمت او تا امروز درس‌های نورانی برای دل‌های آحاد بشر است- نشانه‌های اقتدار است؛ بازوی قوی، فکر قوی، اراده قوی، مدیریّت قوی، زبان قوی؛ یک انسان قوی و مقتدر.

در عین‌حال، همین انسان قوی، مظلوم است؛ نشانه‌های مظلومیّت او در رفتار دشمنان، در رفتار حسودان، در تهمت‌های ناجوانمردانه‌هایی که عوامل دشمنانش به امیرالمؤمنین در زمان حیات او واردّ آوردند، در خواصّ دل به دنیا سپرده او -که بعضی از نزدیکانش و خواصّش به‌خاطر دنیاطلبی از او جدا شدند- است. اینها نشانه مظلومیّت آن بزرگوار است. این فشار وارد آمده از جوانب مختلف بر این انسان بزرگ تا حدّی است که گاهی این انسان صبور و دریادل و شکیبا، آن‌طوری که معروف است با چاه درد دل می‌کند، با چاه حرف می‌زند؛ این نشان‌دهنده مظلومیّت امیرالمؤمنین است. بعد از رحلت او و شهادت او هم تا سال‌های متمادی، دشمنان او که بر اریکه حکومت، بر سلطنت مسلّط شده بودند، در سرتاسر کشور اسلامی وسیع،بر سر منابر به او اهانت می‌کردند و به نمایندگی او از مفاهیم و معارف قرآن خدشه کند.

بله، دشنام دادند، به خدا هم دشنام می‌دهند، به پیغمبر هم -العیاذ بالله- دشنام می‌دهند، دشنام، دلیل نیست. هیچ انسانی وقتی که فکر می‌کند، وقتی از احساسات و تعصّبات،خود را رها می‌کند، هرگز -ولو تا حدودی- نمی‌تواند در این پیکره نورانی، در این هیکل قدسی، کمترین خدشه‌ای بکند.» (۱۳۹۵/۰۶/۳۰)

مصداق امامت

«پیغمبر این [شخص] را به‌عنوان مصداق امامت، معیّن کرد. این شد قاعده؛ تا آخر دنیا هرجا مسلمان‌ها بخواهند و همّت کنند و هدایت شوند از سوی خدا به اینکه اسلام را تحقّق ببخشند و جامعه اسلامی را تحقّق ببخشند، ضابطه و قاعده‌اش این است: باید امامت را احیا کنند.

البتّه هرگز هیچ مصداقی به آن مصادیقی که پیغمبر معیّن کردند نمی‌رسد؛ به کمتر از آنها هم نمی‌رسد؛ بزرگ‌ترین شخصیّتهای علمی و معنوی و عرفانی و بزرگان سلوکی و معرفتی ما نسبت به امیرالمؤمنین، مثل آن پرتو ضعیفی هستند که ته چاه، انسان یک مختصر روشنایی می‌بیند؛ آن را مقایسه کنید با خورشید؛ بله، همان است، همان شعاع است امّا فاصله چقدر است؟ تفاوت چقدر است؟ برترین شخصیّت‌های ما، مثلاً یک شخصی مثل امام بزرگوار ما را که یک شخصیّت انصافاً کامل، بزرگ، باعظمت، جامع‌الاطراف و از همه‌جهت یک شخصیّت برجسته و ممتاز بود، اگر بخواهیم با امیرالمؤمنین قیاس کنیم، قیاسش همین است که عرض کردم: [یعنی] نور خورشید را مقایسه کنید با آن پرتویی که ته چاه مثلاً یا در گوشه فلان پست و مثلاً از خورشید یا از نور دیده می‌شود؛ فاصله‌ها اینجوری است.» (۱۳۹۵/۰۶/۳۰)

واجدِ تمام ارزش‌ها و صفاتِ مورد احترام انسان‌ها

«تمام ارزش‌ها و صفاتی که انسان -چه به‌عنوان انسان مؤمن به اسلام، چه به‌عنوان انسان مؤمن به هر دینی و چه به‌عنوان انسان بی‌اعتقاد به هر دینی؛ هرجور انسانی- به آنها احترام می‌گذارد و تکریم می‌کند، در علیّ‌بن‌ابی‌طالب جمع است؛ یعنی علیّ‌بن‌ابی‌طالب(ع) شخصیّتی است که اگر شما شیعه باشید احترامش می‌کنید، اگر سنّی باشید احترامش می‌کنید، اگر اصلاً مسلمان نباشید و او را بشناسید و بروید دنبال احوالش احترام می‌کنید. افرادی از اهل سنّت که درباره فضائل امیرالمؤمنین در طول سال‌های متمادی نوشته‌اند بسیارند؛ جورج جرداق مسیحی، آن کتاب پنج جلدی را نوشته؛ یک مسیحی درباره امیرالمؤمنین سال‌ها قبل عاشقانه کتاب می‌نویسد. همین شخصیّت آمد این‌جا پیش من و راجع به کتابش صحبت شد، گفت من از دوران نوجوانی با نهج‌البلاغه آشنا شدم، نهج‌البلاغه مرا به شخصیّت و [نسبت] به امیرالمؤمنین -مجسّمه تقوا و عدالت و دادگری- بدگویی می‌کردند.

درعین‌حال انسان وقتی مجموع قضایا را نگاه می‌کند، می‌بیند در این مصاف طولانی، پیروز نهایی، امیرالمؤمنین است. امروز شما ملاحظه کنید نام امیرالمؤمنین، شخصیّت امیرالمؤمنین در آفاق عظیم بشر و تاریخ انسان کجا است؛ در اوج است و از دشمنان او خبری نیست. نهج‌البلاغه او درس انسان‌های والا است؛ سیره او برجسته‌ترین و درخشان‌ترین سیره یک انسان بعد از نبیّ مکرّم اسلام است؛ عدالت او، عبادت او و شخصیّت عظیم او امروز در دنیا برجسته است؛ راه او بر راه دشمنانش پیروز شده است و پیروز نهایی، امیرالمؤمنین بود.» (۱۳۹۷/۰۳/۱۴)

شخصیّت والای خدشه‌ناپذیر

«امیرالمؤمنین کسی است که هیچ‌کس نه در آن زمان و نه در زمان‌های بعد نتوانسته است به شخصیّت والای او خدشه وارد کند.

بیشترین دشمنان را علی(ع) داشته؛ اما بیشترین ستایشگران را هم- حتّی کسانی که به دین و راه او اعتقادی نداشتند- آن بزرگوار داشته است.

علیّ‌بن‌ابی‌طالب هدایت کرد؛ این کتاب را نوشت: الامام علی صوت العدالة الانسانیّة. کسی که اصلاً دین هم نداشته باشد -یعنی به هیچ دینی معتقد نباشد- وقتی شخصیّت امیرالمؤمنین را بشناسد، در مقابل او خضوع می‌کند، تعظیم می‌کند.» (۱۳۹۵/۰۶/۳۰)

اعجوبه خلقت

«امیرالمؤمنین(ع)اعجوبه خلقت است. مسلمان درجه اوّل است. تالی تلوّ نبیّ اکرم است. مقامات او در آسمان‌ها معروفتر است تا در زمین. مریدان و محبّین او در بین ملائکه آسمان‌ها بیشترند تا در بین انسان‌ها.» (۱۳۷۲/۱۲/۱۳)

واجد جمیع ارزش‌ها

«همه خصوصیاتی که از نظر اسلام، ارزش است و البته از نظر عقل سالم توأم با انصاف هم، همان‌ها ارزش محسوب می‌شود، در امیرالمؤمنین(ع)جمع بود.» (۱۳۷۳/۰۳/۰۸)

یک الگوی کامل برای همه

«امیرالمؤمنین(ع)یک الگوی کامل برای همه است. جوانیِ پرشور و پرحماسه او، الگوی جوانان است. حکومت سراسر عدل و انصاف او، الگوی دولتمردان است. زندگی سراپا مجاهدت و سراپا مسئولیت او، الگوی همه مؤمنان است. آزادگی او، الگوی همه آزادگان جهان است و سخنان حکمت‌آمیز و درس‌های ماندگار او، الگوی عالمان و دانشمندان و روشنفکران است.» (۱۳۷۹/۰۱/۰۱)

همه انسانیت

خاضع در برابر زیبایی‌های علی‌بن‌ابی‌طالب(ع)

«امیرالمؤمنین(ع) متعلق به همه انسانیت است؛ نه فقط متعلق به شیعیان و نه حتّی متعلق به مسلمانان. همه انسانیت در برابر عظمت‌ها و زیبائی‌های علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) خاضع و خاشع‌اند؛ مگر آنهائی که نشناسند و ندیده باشند. لذا شما می‌بینید مداحان امیرالمؤمنین فقط مسلمانها نیستند؛ مسیحی هم ستایش امیرالمؤمنین را می‌کند. فقط شیعیان نیستند؛ جامعه اهل‌سنت هم در همه اقطار دنیای اسلام از امیرالمؤمنین به زبان دیگری و با شیفتگی بیشتری نسبت به سایر بزرگان صدر اسلام یاد می‌کند. چرا؟ علت چیست؟ علت، عظمت این شخصیت است؛ عظمتی که در طول عمر آن بزرگوار و تا چند قرن بعد از شهادت آن بزرگوار، کسانی سعی کرده‌اند آن را بپوشانند و نشد. درخشش خورشید را نمی‌شود پوشاند؛ خورشید است، می‌تابد، گرما و نور می‌دهد. مگر می‌شود انکارش کرد؟!» (۱۳۸۶/۰۵/۰۶)

درخشش امیرالمؤمنین(ع) در بهشت

«آنچه که ما می‌بینیم، درخشش آن بزرگوار است که به چشم هر انسانی- حتّی دشمنان و مخالفان- می‌آید؛ چه برسد به دوستداران و یا شیعیان؛ همچنان که از روایت اهل سنت روایت شده که رسول خدا(صلّی‌الله‌علیه‌وآله) فرمود: «علی‌بن‌ابی‌طالب یزهر فی‌الجنّة ککوکب الصّبح لاهل الدّنیا»؛ درخشش امیرالمؤمنین(ع) در بهشت، مثل درخشش ستاره صبح برای مردم دنیاست؛ نور را می‌بینند، درخشش را می‌بینند؛ اما ابعاد و جزئیات را نمی‌توانند درک کنند و ببینند.» (۱۳۷۰/۱۰/۲۹)

اعتراف اهل سنت به عظمت شخصیت امیرالمؤمنین

«در روایات اهل سنت درباره محبت پیغمبر به امیرالمؤمنین(علیهما الصّلاة و السّلام) مطالبی آمده است که برای همه مسلمانان قابل تدبر و قابل توجه است. در سنن «تَرمذی» که از صحابه اهل سنت است، از قول ام‌المؤمنین- عایشه- نقل می‌کند که ایشان گفته است که: «ما خلق الله خلقا احبّ الی رسول الله(صلّی الله علیه و آله) من علیّ»؛ یعنی ایشان شهادت می‌دهد که در میان خلائق هیچ انسانی محبوب‌تر از امیرالمؤمنین در نزد پیغمبر و در چشم پیامبر مکرم نبود.

باز در یک روایت دیگری، احمد حنبل -که از ائمه چهارگانه اهل سنت است- از اسماء بنت عمیس نقل می‌کند که گفت: پیغمبر اکرم دست به دعا برداشت و عرض کرد: «اللّهمّ انّی اقول لک کما قال اخی موسی اجعل لی وزیرا من اهلی اشدد به ازری و اشرکه فی امری علیّ کی نسبّحک کثیرا و نذکرک کثیرا»؛ یعنی پیغمبر اکرم به خداوند متعال عرض می‌کند: پروردگارا! همان طوری که موسای پیغمبر از تو درخواست کرد که برای او وزیری قرار بدهی، شریکی قرار بدهی که در کارها به او کمک کند و همراه او باشد و بازوی توانای او باشد، من هم از تو درخواست می‌کنم که علی را وزیر من و شریک من و بازوی توانای من قرار بدهی.» (۱۳۸۸/۰۴/۱۵)

اعتراف دشمنان به عظمت شخصیت امام علی(ع)

«شاید در بین چهره‌های معروف جهان و به طور خاص در میان شخصیت‌های اسلامی، هیچ شخصیتی را نتوانیم پیدا کنیم- حتّی خود پیامبر اسلام- که در میان ملت‌ها و پیروان ادیان مختلف و در زمانه‌ای گوناگون، به قدر امیرالمؤمنین(ع) محبوب باشد. شما وقتی نگاه می‌کنید، می‌بینید در همان زمان خودِ این بزرگوار، که شمشیر عدالت و شدّت عدل او، دل‌های متمرّد و روح‌های خودخواه را از خود بیزار می‌کرد و جبهه دشمنی بزرگی علیه او به وجود می‌آورد، حتّی دشمنانش هم وقتی به اعماق روح خود مراجعه می‌کردند، نسبت به آن بزرگوار، عقیده همراه با تعظیم و تکریم و محبتی را احساس می‌کردند. این، تا زمانهای بعد هم ادامه داشت.

بیشترین دشمنان را علی(ع) داشته؛ اما بیشترین ستایشگران را هم- حتّی کسانی که به دین و راه او اعتقادی نداشتند- آن بزرگوار داشته است. خاندان زبیر در قرن اوّل هجری، به اشخاصی که غالباً نسبت به بنی‌هاشم و بخصوص آل علی(ع)، بغض و عداوت داشتند، معروف بودند. این عداوت، بیشتر هم ناشی از عبدالله‌بن‌زبیر- پسر زبیر- بود. یکی از نوه‌های زبیر، از پدر خود پرسید: که به چه علت نام علی و خاندان علی، روزبه‌روز بیشتر در میان مردم گسترش پیدا می‌کند؛ در حالی که دشمنان آنها، هر چه هم تبلیغات می‌کنند، اما زود افول و غروب می‌کنند و باقی نمی‌مانند؟ او- قریب به این مضمون- گفت که این‌ها به خدا و به حق دعوت کردند؛ به همین خاطر است که کسی نتوانست فضلشان را بپوشاند؛ ولی دشمنانشان به باطل دعوت کردند. در طول زمان، همین‌طور بوده است.» (۱۳۷۵/۰۹/۰۵)

علاقه معاویه به فضایل امیرالمؤمنین(ع)

«در مجلس معاویه، کسی مطلبی را به عنوان تملق راجع به امیرالمؤمنین گفت، معاویه بر آن شخص برآشفت و جمله‌ای در مدح امیرالمؤمنین بیان کرد! از یاران امیرالمؤمنین، کسانی که بعد از شهادت آن بزرگوار سر و کارشان با دستگاه معاویه می‌افتاد، معاویه به آنها می‌گفت از علی برای من بگویید. آنها هم می گفتند. در روایت دارد که گاهی معاویه اشک می ریخت! این شگفتی‌ها این‌جوری است! در حالی که دشمنی معاویه با علی چیز پنهانی که نیست؛ این را همه می‌دانند.» (۱۳۸۶/۰۵/۰۶)

به کوشش: کامران پورعباس

«امیرالمؤمنین(ع)یک الگوی کامل برای همه است. جوانیِ پرشور و پرحماسه، او الگوی جوانان است. حکومت سراسر عدل و انصاف او، الگوی دولتمردان است. زندگی سراپا مجاهدت و سراپا مسئولیت او، الگوی همه مؤمنان است. آزادگی او، الگوی همه آزادگان جهان است و سخنان حکمت‌آمیز و درس‌های ماندگار او، الگوی عالمان و دانشمندان و روشنفکران است.

مقامات و فضایل امیرالمومنین (ع)

حسین پورکرم

شناخت اشخاص و شاکله شخصیتی آنان می تواند در شناخت مقامات و جایگاه آنان در زندگی بشریت و نقش آفرینی آنان در ساحت تاریخ مفید و سازنده باشد؛ البته برخی از اشخاص به سبب ویژگی «اسوه حسنه» بودن باید از همه ابعاد شناخته و معرفی شوند تا بتوان از آنان در ابعاد گوناگون زندگی به عنوان سرمشق بهره گرفت. از جمله آنها چهارده معصوم(ع) و به ویژه مولی الموحدین امیرالمومنین (ع) است که زندگی ایشان سرشار از آموزه های علمی و عملی برای زندگی است.در ادامه به برخی از ویژگی‌ها و فضایل آن حضرت اشاره می‌شود.

امیرمومنان، وارث پیامبران

از نظر آموزه های اسلام، امیرمومنان علی(ع) به عنوان نفس پیامبر(ص) است (آل عمران، آیه ۶۱)؛ بن